

”

آقا مرده بودیم
زنده شدیم،
خاک بودیم
بلند شدیم اصلاً
حیات گرفتیم
با این آیه، آقا
گفتیم خدا
با ما است لا
تحزن، الحمدلله
رب العالمین
به فضل خدا
آن شد چشمه
حیات. آن
دوستانی هم
که گفتند بزنی
کنار مجبور به
استغفار شدند.
واقعاً لطف خدا
به داد ما رسید



آمدیم، به هر کسی می‌گفتیم انگار گوش‌ها و چشم‌هایشان را بسته بودند اصلاً واقعیت را نمی‌دیدند، همه می‌خواستند خسته شویم و خودشان ادامه دهند. ما هم نگران این نهال نو پا که نیاز به مراقبت داشت. آنها بلد نبودند چه جوری ادامه دهند. مطمئن بودیم اگر آنها می‌آمدند کاملاً قضیه کنفیگون و این نهال خشک می‌شد. خیلی ایستادگی و پافشاری کردیم ولی جواب نداد. تا اینکه یکی از دوستان آقای جادری آمد و باهم همفکری و صحبت کردیم. ولی تمام راه‌ها را رفتیم و جواب نگرفتیم. گفتیم خب ما مسلمانیم بگذار پناه ببریم به خدا ببینیم خدا چه می‌گوید. قرآن را باز کردیم این آیه آمد... آقا مرده بودیم زنده شدیم، خاک بودیم بلند شدیم اصلاً حیات گرفتیم با این آیه، آقا گفتیم خدا با ما است لا تحزن، الحمدلله رب العالمین به فضل خدا آن شد چشمه حیات. آن دوستانی هم که گفتند بزنی کنار مجبور به استغفار شدند. واقعاً لطف خدا به داد ما رسید.

قطع وابستگی

سال ۱۳۹۳ اولین نمونه خودمان را تست میدانی کردیم. سال ۱۳۹۳ توانستیم یک قرارداد تبیین فنی دانش نمونه‌های جدید را ببندیم و وارد تبیین ساخت دانش نمونه‌های جدید و راه جدید شدیم. تقریباً دو سال است که ما داریم به صورت تولید انبوه کار می‌کنیم. تقریباً می‌توانیم چیزی حدود ۳۰ درصد نیاز مته را در کشور تأمین کنیم و اگر یک مقدار حمایت مالی شویم اگر نگوئیم ۱۰۰ درصد ولی ۹۰ درصد مته‌های کشور را می‌شود تأمین کرد. الآن هم جدیداً داریم روی یک پروژه بسیار پیچیده به صورت محرمانه کار می‌کنیم که آن هم یک مته خیلی خاصی است. گروه ما تقریباً ۱۰-۱۲ نفر تیم تحقیقات و بقیه دوستان خط تولید هستند.

خارجی‌ها قیمت را کاهش دادند

من از مسئولی شنیدم از وقتی خارجی‌ها شنیدند مته می‌سازیم، هم قیمت را کاهش دادند هم پیشنهادهای خاصی داده‌اند. چون نمی‌خواهند این توانمندی داخلی شود. نمی‌گذارند. هر کجا ساخت داخلی ببینند، شیطنت‌هایی می‌کنند تا این اتفاق نیفتد.

گاهی به بن بست رسیدیم

مته حفاری دندان‌های ساخت محققان جهاد دانشگاهی با فناوری

شما برومته‌ات را بساز یعنی برو کشتک را بساب

مقامات و مسئولان تقریباً حالا بخش قابل توجهی نگوییم همه چون واقعاً بعضی‌ها امید می‌دادند بعضی‌ها کمک می‌کردند. اوایل نه تنها خارجی‌ها بلکه خیلی از داخلی‌ها و بزرگان صنعت به ما می‌خندیدند. سال ۹۷ معاون پژوهشی وزیر نفت چون شنیده بود تیمی در اهواز مته می‌سازند از ما دعوت کردند برویم تهران؛ ایشان تا وارد سالن جلسه شدند گفت: «شما چند الف‌بیچه می‌خواهید مته بسازید؟» آن موقع من مقداری بیشتر مو داشتم و محاسنم سفید نبود با یک قیافه و تیپ بسیجی. یک بار یکی از استادانی که خیلی مدعی اهل فن بود به من گفت شما برومته‌ات را بساز یعنی برو کشتک را بساب. با یک خنده عاقل اندر سفیه که این همان متوهمی است که می‌خواهد مته بسازد، از این چیزها زیاد داشتیم. تک‌تک این گلوگاه‌ها برای ما یک چالش بود. ولی هر کدام را رد می‌کردیم و هر کدام از بن بست‌ها شکسته می‌شد یک وحدت و شادی خاص و وصف‌نشدنی برایمان بود.

همه می‌خواستند خسته شویم

آن موقع بدجور تیم مته تحت فشار بود و به ما می‌گفتند بزنی کنار ما

”

یک بار یکی از
اساتیدی که
خیلی مدعی
اهل فن بود
به من گفت
شما برو مته‌ات
را بساز یعنی
برو کشتک را
بساب